تشکیل باندسرقت پس از پایان سربازی

چهار پسر جوان که پس از پایان خدمت سربازی یک شبکه سرقت به راه انداخته بودند بازداشت شدند. متهمان با استخدام یک راننده از شهرستان به پایتخت می‌آمدند و پس از دستبرد به خانه‌های شمال شهر راهی محل زندگی‌شان می‌شدند.

بررسی‌ها نشان داد سارقان در تاریکی شب از طریق در بالکن وارد طبقه‌اول این آپارتمان مسکونی شده و پس از سرقت مقدار زیادی پول از محل گریخته‌اند.

شاکی در توضیح ماجرا به پلیس گفت: عصر روز حادثه همراه خانواده‌ام برای انجام کاری به خیابان رفتیم. ساعت ۹ شب که به خانه برگشتیم با صحنه عجیبی روبه‌رو شدیم. تمامی وسایل خانه بهم ریخته‌بود و در کمد اتاق خواب هم که پول‌ها و طلاهای همسرم در آن نگهداری می‌کردیم تخریب شده بود و مشخص بود سارق یا سارقانی به خانه‌ام دستبرد زده و پس از سرقت طلاها و پول‌هایمان از محل گریخته‌اند. در بررسی‌های بعدی متوجه شدیم سارقان با تخریب در بالکن وارد خانه ما شده‌اند.

با طرح این شکایت تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی به دستور قاضی علی وسیله ایرد موسی، بازپرس شعبه پنجم دادسرای ناحیه ۳۴ برای شناسایی و دستگیری سارقان وارد عمل شدند.

همزمان با ادامه تحقیقات برای دستگیری سارقان، مأموران با چند شکایت مشابه دیگر روبه‌رو شدند که حکایت از این داشت سارقان در نبود صاحبخانه از طریق پنجره و در بالکن وارد طبقات اول و دوم آپارتمان‌های مسکونی شده و پس از دستبرد طلا، پول، و وسایل گرانقیمت کم حجم اقدام به فرار می‌کنند.

در حالی که هر روز به تعداد شاکیان سارقان خانه‌های شمال تهران افزوده می‌شد مأموران چندی قبل هنگام گشت‌زنی در یکی از خیابان‌های شمالی تهران به سه پسر جوان که در حال پرسه زدن بودند مشکوک شدند و آنها را بازداشت کردند. مأموران در بازرسی بدنی انبردست، دیلم و چند وسیله دیگر از مظنونان کشف کردند که نشان می‌داد سه پسر جوان از این وسایل برای باز کردن و تخریب درهای آپارتمان مسکونی استفاده می‌کنند.

سه متهم پس از انتقال به اداره پلیس به سرقت‌های سریالی با همدستی دو نفر دیگر از دوستانشان اعتراف کردند. سپس مأموران، دو همدست دیگر سارقان را دستگیر کردند.

صبح دیروز سه نفر از متهمان باند سارقان منزل برای بازجویی به دادسرای ویژه سرقت منتقل شدند و از سوی قاضی علی وسیله ایردموسی مورد بازجویی قرار گرفتند.

سه متهم در ادامه برای تحقیقات بیشتر در اختیار کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفتند.

گفت‌وگو با سردسته باند

خودت را معرفی کن؟

کامیاب هستم و ۲۱ سال سن دارم.

سابقه داری؟

نه، سابقه ندارم. تازه سربازی ما تمام شده بود که دست به سرقت زدیم.

باند شما چند نفره بود و چطور با هم آشنا شدید؟

در واقع اعضای باند چهار نفر هستیم و یک نفر هم راننده بود که اصلاً در جریان سرقت‌ها نبود. ما چهار نفر همشهری و دوست هستیم و چند ماهی است که همگی دوران خدمت سربازی‌مان تمام شده است و همه دوستان قدیمی دوران سربازی هستیم.

چه شد که پس از پایان خدمت سربازی تصمیم گرفتید سرقت کنید؟

ما همه بیکار بودیم و درآمدی نداشتیم به همین دلیل تصمیم گرفتیم برای سرقت از شهرستان به تهران بیاییم.

قبل از سربازی به چه کاری مشغول بودید؟

من شاگرد میوه فروشی بودم و دوستان دیگرم هر کدام مشغول کاری بودند اما پس از پایان سربازی کاری پیدا نکردیم.

درباره نقش راننده توضیح بده؟

ما همیشه آخر هفته برای سرقت به تهران می‌آمدیم و پس از سرقت یک یا دو خانه دوباره به شهرستان بر می‌گشتیم تا شناسایی نشویم تا اینکه تصمیم گرفتیم از تهران راننده‌ای را استخدام کنیم تا ما را به شهرستان ببرد و بعد آخر هفته به تهران بیاورد تا سرقت‌ها را زودتر و راحت‌تر انجام دهیم. مدتی قبل از طریق تلگرام با راننده‌ای آشنا شدم و به او گفتم که من صاحب شرکت تجاری بازرگانی هستم که در تهران هم شعبه دارد و آخر هر هفته همراه چند نفر از سهامداران آن برای بازدید و بررسی حساب و کتاب‌ها به تهران می‌آییم و بعد دوباره به شهرستان بر می‌گردیم که او هم قبول کرد و ما او را استخدام کردیم.

چقدر کرایه می‌گرفت؟

ما برای هر بار رفت و آمد به تهران و شهرستان به او یک میلیون تومان می‌دادیم.

در این مدت به چند خانه دستبرد زدید؟

به ۱۰ خانه دستبرد زده بودیم چون تازه شروع به سرقت کردیم که دستگیر شدیم.

چقدر از سرقت گیرت آمد؟

با کم کردن هزینه‌های رفت و آمد در این ۱۰ سرقت حدود ۵ میلیون تومان سهم هر کدام از ما شد.

حرف آخر؟

پشیمان هستم و تصمیم گرفتم پس از آزادی شغل شرافتمندانه‌ای برای خودم پیدا کنم.

عامل شهادت مأمور پلیس به قصاص محکوم شد

مرد قاچاقچی که برای فراری دادن همدستش از لابراتوار تهیه شیشه، مأمور پلیس را به شهادت رسانده‌است به قصاص محکوم شد. همدست متهم به زندان و پرونده برای رسیدگی به سایر اتهام‌های دو متهم به دادگاه انقلاب ارجاع داده شد.

به گزارش خبرنگار ما، هفدهم شهریور سال ۹۴ بود که مأموران پلیس تهران از زخمی شدن یکی از مأموران خود به نام ستوان یکم میثم مولایی در جریان درگیری با دو قاچاقچی مواد مخدر باخبر و در محل حاضر شدند.

سرباز وظیفه‌ای که همراه مأمور پلیس بود به مأموران گفت: «بعد از اعلام گزارش درباره فعالیت دو قاچاقچی موادمخدر در لابراتوار تهیه شیشه در شرق تهران همراه ستوان یکم مولایی و چند اکیپ از مأموران نیروی انتظامی به محل اعزام شدیم. قاچاقچیان وقتی خودشان را در محاصره پلیس دیدند دست به اسلحه شدند. در آن لحظه یکی از آنها برای فراری دادن همدست خود به سمت ما شلیک کرد که در جریان آن درگیری، ستوان مولایی زخمی و بلافاصله به بیمارستان منتقل شد.»

بعد از این توضیحات مأموران در بررسی از لابراتوار قاچاقچیان، ۹ کیلو و ۷۵۰ گرم هروئین، یک قبضه کلاشنیکف، ۱۰۶ تیر جنگی، و ۱۵ کیلو گرم مواد پیش‌ساز تهیه شیشه کشف و ضبط کردند. سپس دو قاچاقچی که در فرار ناکام مانده بودند به نام‌های فرود ۴۵ ساله و سجاد ۳۷ ساله بازداشت شدند. همزمان با انتقال متهمان به پلیس آگاهی بود که مأموران باخبر شدند همکارشان به خاطر شدت خونریزی در بیمارستان به شهادت رسیده است. بنابراین دو متهم تحت بازجویی قرار گرفتند و با اقرار به جرمشان و فرود که عامل شهادت مأمور پلیس بود در توضیح به مأموران گفت: «من و سجاد مدتی بود در لابراتوار کار می‌کردیم تا اینکه روز حادثه متوجه شدیم مأموران ما را محاصره کرده‌اند. سجاد قصد فرار داشت و من برای کمک به او مجبور شدم به سمت مأموران شلیک کنم، اما قصد به شهادت رساندن مأمور پلیس را نداشتم.» سپس سجاد نیز به جرمش اقرار کرد و به مأموران گفت او هم مدتی در آن لابراتوار فعالیت داشته و آن روز حین فرار از دست مأموران بود که بازداشت شد.

به این ترتیب پرونده به شعبه هفتم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد و دو متهم در حالی پای میز محاکمه ایستادند که پدر و مادر شهید مولایی که قیم فرزند شهید نیز بودند برای متهمان درخواست قصاص کردند.

سپس فرود بعد از شرح دوباره ماجرا در آخرین دفاعش گفت: «آن روز مست بودم و حال طبیعی نداشتم. باور کنید قصد به شهادت رساندن مأمور پلیس را نداشتم به همین دلیل از اولیای دم می‌خواهم مرا ببخشند.»

در پایان هیئت قضایی بعد از آخرین دفاع دو متهم، فرود را به اتهام قتل عمد به قصاص، به اتهام شرب خمر به ۸۰ ضربه شلاق، سپس هر یک از متهمان را به اتهام نگهداری سلاح گرم به پنج‌سال حبس محکوم کرد. در آخر هیئت قضایی پرونده را برای رسیدگی به سایر جرم‌های متهمان به دادگاه انقلاب اسلامی ارجاع داد.

قاتل مرد مواد فروش در ایستگاه محاکمه

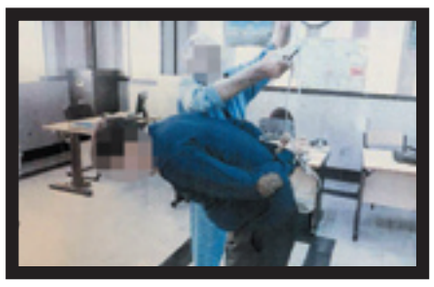

قاتل معتادی که متهم است مرد مواد فروشی را به شیوه فیلم‌های هالیوودی هنگام گرفتن اعتراف به قتل رسانده است به زودی در دادگاه کیفری یک استان محاکمه می‌شود.

به گزارش خبرنگار ما، رسیدگی به این پرونده از عصر روز ۳۰ آبان سال ۹۵ همزمان با کشف جسد مردی داخل کانکس نگهبانی یک کارگاه عمرانی در محدوده بزرگراه چمران از سوی مأموران به جریان افتاد. قاضی مدیر روستا، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران که همراه مأموران کلانتری ۱۳۴ شهرک قدس در محل حادثه حاضر شده بود با جسد مردی حدوداً ۳۰ ساله که دست و پایش با طنابی بسته و آثار زخم روی بدنش نمایان بود روبه‌رو شدند. نخستین بررسی‌ها نشان داد مقتول مرد کارتن‌خوابی به نام کیوان است که در حاشیه بزرگراه زندگی می‌کرده است. تیم جنایی در گام بعدی قاتل را که مرد ۶۷ ساله‌ای به نام قربان بود شناسایی کردند و مشخص شد وی نگهبان کارگاه آسفالت است و در کانکسی که جسد مقتول کشف شده زندگی می‌کرده است. بدین ترتیب مأموران تحقیقات خود را برای شناسایی و دستگیری قاتل فراری آغاز کردند، اما دریافتند متهم پس از قتل به خانه‌اش در شهرستان مراجعه نکرده است. تحقیقات برای دستگیری قاتل فراری ادامه داشت تا اینکه پس از ۱۱ ماه از حادثه به کارآگاهان خبر رسید قاتل فراری مدتی قبل به تهران برگشته و در طرح جمع‌آوری معتادان متجاهر بازداشت و به کمپ فشافویه منتقل شده است. بنابراین مأموران راهی کمپ فشافویه شدند و قربان را دستگیر کردند.

متهم در بازجویی‌ها به قتل اعتراف کرد و گفت: پس از قتل از تهران فرار کردم تا اینکه سه‌ماه قبل دوباره به تهران برگشتم و دو ماه قبل هم در طرح جمع‌آوری معتادان دستگیر شدم. در کمپ می‌خواستم برای معتادان دیگر عرض اندام کنم تا آنها از من حساب ببرند که به آنها گفتم سال قبل من یک نفر را به قتل رسانده‌ام و آدم خطرناکی هستم و آنها هم موضوع را به مدیر کمپ و مأموران پلیس اطلاع دادند.

وی درباره روز حادثه گفت: چند سال قبل برای کار از شهرستان به تهران آمدم. من نگهبان کارگاه آسفالت بودم و داخل کانکس زندگی می‌کردم. مقتول مواد فروش بود و پاتوقش ته دره نزدیک کارگاه بود. سه سال قبل هنگام خرید مواد با او آشنا شدم و از آن زمان به بعد کیوان برای مصرف مواد به کانکس می‌آمد. من مقداری مواد از او خریده و داخل کانکس پنهان کرده بودم. صبح روز حادثه از کانکس بیرون رفتم و وقتی برگشتم متوجه شدم مواد داخل کانکس سرقت شده است. برای پیدا کردن مواد سراغ معتادان ته دره رفتم که آنها گفتند کیوان را در نزدیکی کانکس من دیده‌اند.

بنابراین کیوان را به بهانه مصرف مواد به داخل کانکس بردم تا مواد سرقتی را از او بگیرم. وقتی با او حرف زدم قبول نکرد که با هم درگیر شدیم. من او را به شیوه فیلم‌های هالیوودی دست و پایش را بستم و به سقف کانکس آویزان کردم تا اعتراف بگیرم. من با چوب دستی او را کتک زدم و او هم دو نفر از دوستانش را به من معرفی کرد و مدعی شد که آنها مواد را سرقت کرده‌اند. وقتی از آنها سؤال کردم قبول نکردند که دوباره به سراغ او آمدم و این بار با چوب دستی به سر و صورتش زدم که فوت کرد.

متهم همزمان با ادامه بازجویی‌ها، صحنه قتل را بازسازی کرد و قاضی مدیر روستا هم پس از تحقیقات تکمیلی کیفرخواست متهم را به جرم قتل عمد صادر کرد. بدین ترتیب متهم به زودی در دادگاه کیفری یک استان محاکمه می‌شود.

مرد میوه فروش به پرداخت دیه محکوم شد

مرد میوه فروش که متهم است همسایه میانسالش را به خاطر توهین به پدر فوت‌شده‌اش به قتل رسانده است به پرداخت دیه محکوم شد.

به گزارش خبرنگار ما، اوایل تابستان سال ۹۲، مأموران پلیس تهران از مرگ مشکوک مرد ۶۰ ساله‌ای به نام اکبر در یکی از بیمارستان‌های شهر باخبر و راهی محل شدند. شواهد نشان می‌داد مرد میانسال در جریان درگیری با صاحب مغازه میوه فروشی دچار جراحت شده و بعد از انتقال به بیمارستان فوت شده است.

با انتقال جسد به پزشکی قانونی میوه‌فروش ۲۹ ساله که نریمان نام داشت شناسایی و بازداشت شد. او در بازجویی‌ها اتهامش را انکار کرد و گفت: «اکبر، پدر مرحومم را مسخره کرد به همین دلیل با هم درگیر شدیم و من به آرامی او را هل دادم که سرش به جدول خورد.» وی در توضیح بیشتر گفت: «با پدرم سال‌ها در محل مغازه میوه فروشی داشتیم تا اینکه چند سال قبل پدرم فوت کرد. هر پنج‌شنبه برایش خیرات می‌کردم و روز حادثه هم یک جعبه خرما در مغازه برای خیرات گذاشته بودم.» متهم در ادامه گفت: «اکبر در همان محل زندگی می‌کرد و از مشتری‌های مغازه بود. او همان روز به مغازه آمد و وقتی جعبه خرما را دید مرا مسخره کرد و پشت سر پدرم حرف‌های نا مربوط زد. از حرف‌هایش عصبانی شدم و با هم درگیر شدیم. در آن درگیری او را هل دادم که تعادلش به هم خورد و روی زمین افتاد. با کمک اهالی محل، او را از زمین بلند کردیم و به خانه‌اش رفت، اما فردای آن روز بود که شنیدم در بیمارستان فوت کرده است.»

بعد از اقرارهای متهم، پرونده بعد از کامل شدن تحقیقات به شعبه هشتم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. در اولین جلسه رسیدگی به پرونده اولیای‌دم درخواست قصاص کردند سپس متهم بار دیگر ماجرا را شرح داد. هیئت قضایی بعد از آخرین دفاع متهم، مرد میوه فروش را از اتهام قتل عمدی تبرئه و او را به اتهام قتل شبه عمد به پرداخت دیه محکوم کرد. این حکم به دیوان عالی کشور فرستاده شد اما قضات دیوان عالی کشور خواستند تا سایر جراحات روی بدن قربانی بررسی و همچنین از شاهدان حادثه نیز تحقیق شود. بنابراین پرونده به همان شعبه ارجاع داده شد و بار دیگر روی میز هیئت قضایی به ریاست قاضی توکلی قرار گرفت.

در آن جلسه اولیای‌دم بار دیگر درخواست قصاص کردند سپس متهم در دفاع از خود گفت: «وقتی مقتول به پدرم توهین کرد ناراحت شدم و او را هل دادم تا از مغازه‌ام بیرون برود. او وقتی از روی زمین بلند شد حالش خوب بود به همین دلیل فردای آن روز وقتی خبر مرگش را شنیدم شوکه شدم. باور کنید قصد کشتن او را نداشتم حتی با شنیدم مرگش خیلی ناراحت شدم.»

در ادامه دو نفر از شاهدان حادثه نیز در جایگاه قرار گرفتند و آنها نیز حرف‌های متهم را تأیید کردند.

در پایان هیئت قضایی، بنا به گزارش پزشکی قانونی که جراحات روی بدن قربانی را مربوط به عمل جراحی و احیای وی دانسته، همچنین یکی از علت‌های خونریزی مغزی مقتول را فشار خون بالای وی تشخیص داده بود، بار دیگر نریمان را از قتل عمد تبرئه و به پرداخت دیه محکوم کرد.

۶ کودک ناپدید شده گرمساری پیدا شدند

۶ کودک که در روز ۱۲ فروردین ماه با کرایه کردن یک خودرو از شهرستان گرمسار راهی تهران شده بودند روز گذشته توسط مأموران پلیس پایتخت شناسایی و تحویل خانواده‌شان شدند. آنها گفتند برای تکدی‌گری از خانه فرار کرده و راهی تهران شده بودند.

این کودکان که دو پسربچه و چهار دختربچه- محمد ۱۲ ساله، موسی ۷ ساله، ریحانه ۹ ساله، سیده ۸ ساله، سمیه ۵ و سیمره ۴ ساله- و همگی از اعضای دو خانواده افغان بودند، شامگاه ۱۲ فروردین‌ماه با کرایه کردن یک خودرو از گرمسار راهی تهران شدند. ساعتی بعد بود که خانواده‌هایشان پلیس را از ماجرای ناپدید شدن آنها با خبر کردند. مأموران پلیس در جریان بررسی‌های میدانی راننده خودرویی که کودکان را به تهران منتقل کرده بود شناسایی کردند و مورد تحقیق قرار دادند. او گفت: آن شب در حال عبور بودم که کودکان از من خواستند در قبال ۲۲ هزار و ۵۰۰ تومان آنها را به تهران برسانم که قبول کردم. من آنها را درمیدان آقانور حوالی افسریه از ماشین پیاده کردم و به دنبال کار خودم رفتم. بعد از آن بود که تلاش‌های گسترده پلیس تهران به دستور قاضی شهریاری، معاون دادستان به جریان افتاد تا اینکه روز گذشته این کودکان در یکی از پارک‌ها شناسایی و به خانواده‌هایشان تحویل داده شدند. سرهنگ حداد، رئیس پلیس آگاهی استان سمنان گفت: این کودکان انگیزه خود را برای فرار از منزل تکدی‌گری در تهران اعلام کرده‌اند.

پلیس های قلابی به دام پلیس افتادند

دو مرد سارق که با معرفی خودشان به عنوان مأمور پلیس از شهروندان زورگیری می‌کردند سرانجام به دام پلیس افتادند.

به گزارش خبرنگار ما، چندی قبل شکایت‌های مشابهی درباره زورگیری‌های سریالی دو پلیس قلابی به کلانتری‌های تهران گزارش شد. بررسی‌ها حکایت از این داشت که دو مرد جوان سوار بر خودروی پژو ۴۰۵ نقره‌ای رنگ از مسافران و عمدتاً اتباع بیگانه زورگیری می‌کنند. در حالی که هر روز بر تعداد شکایت‌ها اضافه می‌شد به دستور بازپرس شعبه چهارم دادسرای ناحیه یک، پرونده برای رسیدگی به اداره پنجم پلیس آگاهی تهران بزرگ ارجاع شد. یکی از شاکیان گفت: در خیابانی در شمال تهران به عنوان مسافر سوار یک خودروی پژو ۴۰۵ شدم. راننده هنوز مسافت زیادی را طی نکرده بود که راننده و سرنشین، خودشان را مأموران پلیس مبارزه با مواد مخدر معرفی کرده و گفتند که قصد بازداشت من را دارند. آنها با تهدید پول‌ها و تلفن همراهم را سرقت کرده و من را در محلی خلوت از ماشین بیرون انداخته و گریختند.

در حالی که بررسی‌ها در جریان بود شکایت دیگری در محدوده کلانتری ۱۰۱ تجریش به پلیس گزارش شد. کارآگاهان پلیس با حضور در محل و بررسی دوربین‌های مداربسته موفق شدند خودروی مورد نظر را شناسایی کنند. کارآگاهان در بررسی سوابق مالک خودرو که مردی ۳۲ ساله به نام محمدرضا. الف بود متوجه شدند که او از مجرمان سابقه‌دار است که قبلاً به اتهام جرائم مختلف بازداشت شده و به زندان افتاده بود. مأموران پلیس مخفیگاه متهم را در خیابان کریم‌خان شناسایی و او را بازداشت کردند. محمدرضا در بازجویی‌ها به زورگیری‌های سریالی با همدستی رامین. ک ۲۷ ساله اعتراف کرد. با اطلاعاتی که متهم در اختیار پلیس گذاشت مأموران موفق شدند رامین را هم بازداشت و در بررسی مخفیگاه وی چندین گوشی تلفن همراه مسروقه کشف کنند. سرهنگ کارآگاه داوود فرد، معاون مبارزه با سرقت‌های خاص پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت: تحقیقات بیشتر از دو متهم در اداره پنجم پلیس آگاهی تهران بزرگ جریان دارد.

اعتراف سارقان به سرقت‌های سریالی

سارقان حرفه‌ای لوازم داخل خودرو پس از بازداشت به دهها سرقت اعتراف کردند.

به گزارش خبرنگار ما، هشتم فروردین‌ماه بود که مأموران کلانتری ۱۲۷ نارمک هنگام گشت‌زنی در خیابان شهید مدنی به رفتار مردی حدوداً ۲۵ ساله مشکوک شده و در بازرسی اولیه از وی دهها عدد لوازم مختلف داخل خودرو کشف کردند. از آنجایی که احتمال می‌رفت متهم از مجرمان سابقه دار باشد بعد از تشکیل پرونده به دستور قاضی به پایگاه چهارم پلیس آگاهی تهران بزرگ فرستاده شد. اولین بررسی‌ها حکایت از این داشت که متهم از مجرمان سابقه‌دار است که پنج‌بار به اتهام سرقت لوازم داخل خودرو بازداشت شده بود. او در بازجویی‌های بعدی دو همدست خود به نام‌های امید و مهرداد را به پلیس معرفی کرد که دو متهم در محدوده میدان رسالت بازداشت شدند. مهرداد و امید هم در بازجویی‌ها به بیش از ۱۰۰ سرقت از لوازم داخل خودرو اقرار کردند. سرهنگ کارآگاه فخرالدین افراسیابی، رئیس پایگاه چهارم پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت: تحقیقات از دو متهم در پایگاه چهارم پلیس آگاهی تهران بزرگ ادامه دارد.